

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: فاروق چودی
برگردان از: هاتف رحمانی
۲۱ جولای ۲۰۱۸

اکنون ، نیکارگوا



اکنون نیکارگوا است . خشونت و مرگ ناشی از راستگرا های افراطی ، ضربه های خونین باند های مسلح ، و تحریم های تحمیل شده از سوی امپریالیسم ماه هاست گریبانگیر نیکارگوا شده است .
همه این ها بخشی از دخالت امپریالیستی در کشور امریکای لاتینی مورد هجوم امپریالیسم جهانی است . دخالت امپریالیستی بازی کهنه شده ای که در حال حاضر در تعدادی از کشور ها جریان دارد .
عملیات امپریالیستی در نوسان کامل در حال حرکت است چنان چه دانیل اورتگا رئیس جمهور منتخب در سال ۲۰۰۶ هفته هاست با اقدام های خشونت آمیز راست گراها که تقریباً اقتصاد را فلج کرده است مواجه است . تاوان بی درنگ این اقدام دخالت گرایانه از سوی مردم نیکارگوا پرداخت می شود : مرگ ناشی از خشونت از تعداد ۳۰۰ نفر گذشته است . آیا این یک رقم آستانه است ؟ دخالت گرایان پاسخ را می دانند . دخالت کاری خونبار است . جان افراد بسیاری را در سرزمین ها می گیرد .
باند های مسلح چند روز قبل کلاس های درس را در دانشگاه به آتش کشیدند . یک مرکز پزشکی نیز توسط باند ها به آتش کشیده شد .

فرانسیسکو مارتینز ، رهبر دانشجویی در این اقدام های خشن با اطمینان اظهار کرد : « ما خیابان ها را ترک نخواهیم کرد » . آن ها به اقدامات خود چون از سوی اربابانشان شعله ور می شود ادامه خواهند داد .

ان ها کیف پول چاقی دارند . ان ها اسلحه ، خمپاره انداز های دست ساز و مواد آتش زا دارند . آن ها برای استفاده از آن ها آموزش دیده اند و رسانه جریان اصلی وفادار به آن ها همیشه حضور دارند .

اربابان امپریالیست ترتیب تمام وسایل لازم – بنرهای به خوبی طراحی شده ، شعارهای جذاب ، پرچم های ملی ، چماق ها ، بنزین و بمب های بنزینی ، سیم ها ، ابزار ارتباطی و اسلحه – را طی دوره ای طولانی از زمان برای آن ها فراهم کرده اند . آموزش ها با استفاده از رسانه های اجتماعی بر خط ، تاکتیک های بسیج و شیوه سازمانی آموزش داده می شوند .

برای هر ناظر آگاه ، عناصر بسیاری از «انقلاب های» رنگی سازماندهی شده امپریالیسم در تعدادی از کشورها وجود دارد . مشابهت هائی با خشونت چند ماهه سازماندهی شده از سوی امپریالیسم در ونزوئلا وجود دارد . هر ناظر آگاهی همان عناصر را در کشورهای دیگر نیز خواهد یافت .

دانشجویان ، یک جامعه و نه یک طبقه ، عاملان برجسته عملیاتی در ونزوئلا بودند . همان عنصر اجتماعی در نیکاراگوا وجود دارد . کشورهای اندک دیگری عناصر اجتماعی همانندی را در اقدام های سیاسی در پوشش برخی شعارهای دیگر – ظاهراً دموکراتیک و حافظ منافع بخش کوچک تری از جامعه – اما در اساس توخالی و فرقه گرایانه خواهند یافت . بخش کوچک تر نه زحمتکشانش هستند و نه تولید کنندگان .

و بهانه ها هم موجودند ، و بهانه ها جعل می شوند . تاریخ امپریالیسم شاهد بهانه جعلی را حمل می کند . تعقیب واقعیت ها ، به نقل از جنگ و اشننگتن علیه نیکاراگوا هولی اسکالر (سوئد اند پرس ، کمبریج ، امریکا ، ۱۹۸۸) حاکی از جعلیات در رابطه با نیکاراگوا هستند :

« تفنگ داران دریائی امریکا از دهه ۱۸۵۰ بی شمار بار در نیکاراگوا دخالت کرده اند { ... } در ۱۹۰۹ ، جنرال جین استرادا ، فرماندار ساحل اتلانتیک نیکاراگوا ، شورشی را علیه رئیس جمهور خوزه سانتوز زلایا ، یک ملی گرای نوگرا به راه انداخت .



معترضان مدنی مثل سوریه؟ مسلح به سلاحهای گرم و حمایت امریکا و سازمانهای امنیتی

استرادا مورد پشتیبانی سرمایه‌گذاران و رهبران حزب محافظه کار در بندر بلوفیلدز دولتی استانی را برقرار کرد .
« نیو اورلنن پایگاه تأمین سلاح و سرباز گیری برای استرادا بود . مزدوران امریکائی { ... } شورش‌ها را در استفاده از توپخانه تعلیم می‌دادند و سربازان را در جنگ فرماندهی می‌کردند . دولت تفت (رئیس جمهور امریکا) با گسست روابط با دولت زلایا حرارت ماجرا را پائین آورد . با امید به حفظ استقلال نیکارگوا، زلایا در دسمبر ۱۹۰۹ از ریاست جمهوری به سود خوزه مادریز کناره‌گیری کرد . شورش مورد حمایت امریکا به شدت ضعیف شد . تا ماه می ۱۹۱۰ نیروهای دولت نیکارگوا ال بلف را در ورودی بندر بلو فیلدز بازپس گرفتند .

نیروی بحری امریکا بلوفیلدز را « منطقه بی طرف » اعلام کرد و تفنگداران بحری را برای جلوگیری مادریز از باز پس‌گیری بندر مستقر کرد . اسمدلی باتلر (سرهنگ بحری افسانه‌ئی امریکا که توطئه فاشیستی کودتا علیه فرانکلین دی روزولت را افشاء کرد و نویسنده کتاب کلاسیک جنگ یک تور است) این محاسبه دست اول را فراهم کرد : « در نزدیک بلو فیلدز یک معدن طلای امریکائی بود ، که سهام آن عمدتاً متعلق به بانک داران پیستبورگ و بخشی به وزیر خارجه آن زمان فیلندر سی نوکس تعلق داشت . مادریز از به رسمیت شناختن اعتبار امتیاز معدن طلا خود داری کرد و ۲۲۵ تفنگدار بحری بی‌درنگ به بلوفیلدز اعزام شدند تا « از مال و جان امریکائی‌ها محافظت کنند » . من آن تفنگداران را فرماندهی می‌کردم و در راستای اطمینان که جان امریکائی‌ها برای حفاظت در بلو فیلدز وجود دارد اطمینان دادم که سفیر محلی در حال انجام وظیفه است . مایل‌ها امریکائی دیگری وجود نداشت . فن غارت این کشور برای سرمایه‌گذاران امریکائی الزامی می‌کرد که مورد حقیقی وطن پرستی را انقلابی‌ها در طرف خود دارند . در نتیجه ، ما تفنگداران خیلی زود نامزد دست‌نشانده انقلابی برای ریاست جمهوری را مهیا کردیم ، جین استرادا ، در داخل جرج واشنگتنی دیگر { ... }

« تفنگداران بحری نیروهای دولت را خارج از بلو فیلدز فریب دادند و با ۳۶۷ انقلابی شهر را حفظ کردند . نیروهای دولتی خارج از شهر خواستند حمله کنند . ما جنرال‌های دولت را به ممنوع کردن تیر اندازی آن‌ها به شهر فراخواندیم .

(در صورت تیراندازی) زندگی امریکائی‌ها می‌توانست به خطر افتد { ... }

« طبیعتاً نیروهای دولتی با نفرت تسلیم و در شهر راما چند مایلی بلوفیلدز بازنشسته شدند { ... }

« انقلابی‌ها متقاعد شدند که آن‌ها باید به راما حمله کنند و نیروهای دولتی را شکست دهند . ما یک کلکسیونر را پیشاپیش به راما اعزام کردیم تا مطمئن شویم یک جان امریکائی دیگر برای محافظت می‌تواند وجود داشته باشد و سپس کار بیهوده بلو فیلدز را دو باره تصویب کردیم . نیروهای دولتی خارج از شهر فریب خورده بودند { ... } ما تیراندازی از سوی نیروهای دولتی را ممنوع کردیم و آن‌ها سرانجام ، با اطمینان از بی‌یاری مخالفان انقلابی‌های مورد حمایت تفنگداران بحری مضمحل شدند { ... }

مادریز از کشور فرار کرد . باتلر نوشت « همه خوشحال بودند . معادن طلا و شرکت‌های میوه بی‌وقفه کاری کردند { ... } »

این حکایت از جنرال محافظ «جان» و مال امریکا است - نه یک امریکائی ساده در فاصله چند مایلی ، بلکه کنسول محلی امریکائی و از یک کلکسیونر تنهای امریکائی . در جست و جوی یکی بودند در حالی که دومی را برای پیشرفت کار اعزام کرده بودند . بهانه حفظ جان ساخته شده بود - جعل .

زمانی که ریگان در کشور کوچک گرانا دا دخالت کرد تقریباً همان حکایت جریان داشت : دانشجویان امریکائی در یک مدرسه پزشکی در گرانا دا .

دیگر کشورها از جمله بنگلادش تجربه همانند جعل «منطق» برای دخالت را دارند. امپریالیسم در سال ۱۹۷۱ در حالی که مردم بنگال به پیروزی نهایی در جنگ برای آزادی نزدیک بودند ناوگانی را به سوی خلیج بنگال اعزام کرد. امپریالیسم در آن زمان «منطق» خلق کرد. موضع شوروی بود که «منطق» را تغییر داد چون یکی از زیر دریایی های اتومی خود را به سوی خلیج روانه کرد.

کوبا تجربه خلیج خوک ها را دارد، که اکنون به عنوان نمونه تحقیر تاریخی امپریالیسم حضور دارد. در ویتنام، منطق یکی پس از دیگری از جمله به نام خلیج دیگری ساخته شده بود.

عراق، سوریه و کشورهای بسیاری، نه کمتر از یک دو جین نمونه های «منطق» و «عقلانیت» امپریالیستی وجود دارند. تمام این منطق ها با عبارت های زیبایی «دموکراسی»، «حقوق دموکراتیک»، «انسانیت، حقوق بشر»، «قانون اساسی»، «حقوق قامونی» بزک شده بودند.

پس از این درام ها، آیا کسی می تواند به امپریالیسم اعتماد کند؟ آیا کسی می تواند به رسانه های امپریالیستی توجه کند؟ اعتبار آن برای هر فرد آگاه از تاریخ صفر است. در مورد نیکاراگوا، در کدام طرف قرار گرفتن مایه نگرانی فرد است.

رسانه های جریان اصلی با صدای کرکننده خود بسیار فعال اند: «خشونت وجود دارد، مرگ وجود دارد، مرگ دموکراسی در نیکاراگوا وجود دارد، مرگ بر ساندنیستا». اما رسانه های جریان اصلی خشونت های انجام گرفته از سوی راستگرا ها را به خوبی پوشش نمی دهد.

صداهای «دموکراسی» می گویند: اورتگا به شیوه استبدادی حکومت می کند.

صداهای «فعالان حقوق بشر» نیروهای امنیتی اورتگا را به خاطر تمام حوادث کشتار مردم «برای هشدار تعداد کشته ها» متهم می کنند.

دولت امریکا در اوایل جولای جاری تحریم هایی را علیه سه فرد نیکاراگوانی در رابطه با «خشونت و فساد» اعلام کرد. یک مقام ارشد امریکائی گفت این اقدام ها «در ارتباط با فعالیت های وحشتناکی است که ما در نیکاراگوا شاهد آنیم». این مقام گفت «ایالات متحد شدیداً نگران بحران جاری در نیکاراگوا و خشونت به عمل آمده از سوی نیروهای امنیتی علیه اعتراض کنندگان است».

طبق ادعای امریکا، این اقدام ها «بخشی از» تلاش جاری کشور برای محدود کردن سوء استفاده از حقوق بشر و فساد در سراسر جهان از طریق استفاده راهبردی از اقتدار تحریم های ماست.

در ماه جون، امریکا برای تعدادی از «افراد مسؤول سوء استفاده از حقوق بشر یا به تحلیل بردن دموکراسی در نیکاراگوا» محدودیت ویزائی صادر کرد.

بهانه اکنون در آن جا همانند ۱۰۰ سال پیش وجود دارد. بهانه اکنون «حقوق بشر»، «خشونت»، «دموکراسی» و «فساد» است. بیش از یک قرن پیش، بهانه «جان و مال امریکائی ها» بود. بنا بر این امپراتور «همه» گونه حقی برای اقدام در دفاع از «حقوق» و «قانون اساسی» دارد.

چه کسی در خشونت زیاده روی کرد؟ گروهی از افراد یافته شدند که در اقدام های خشن درگیر بودند. در آغاز، اعتراض مسالمت آمیزی بود. اعتراض کنندگان مخالف افزایش سهم تأمین اجتماعی بودند. اعتراض در طی چند ساعت به خشونت تبدیل شد چون باند های جنایتکار به اعتراض کنندگان پیوستند. در نهایت جو خشونت با افزایش کشته ها و ویرانی گسترده تر شد.

پیشنهاد افزایش در سهم تأمین اجتماعی بخشی از اصلاح در مؤسسه تأمین اجتماعی نیکاراگوا است . هدف اصلاح تنظیم کسری بودجه مؤسسه تأمین اجتماعی نیکاراگوا و تأمین بقای آن مؤسسه در میان مدت و دراز مدت بود . دولت برنامه خود برای اصلاح مؤسسه ... را پس گرفت . دولت حتی برای یافتن راهی برای خلبه بر کسری بودجه دعوت به مذاکره کرد .

اما این اقدام مثبت با خشونت مواجه شد و امپریالیسم « راست ها » را در انجام خشونت ها تأمین مالی کرد . رهبران اعتراض های خشونت بار اعلام کردند که اقدام های خود را متوقف نخواهند کرد . ویولتا گرانرا ، یکی از رهبران اعتراض خشونت امیز گفت : « دیگر تأمین اجتماعی مسأله نیست بلکه آزادی بیان ، فساد ، و خیلی چیز های دیگر مسأله است . » اکنون مطالبه میدان نبرد « شهروندی » به انتخابات ریاست جمهوری مربوط است که برای سال ۲۰۲۱ برنامه ریزی شده است . آن ها خواستار : برگزاری انتخابات در سال ۲۰۱۹ هستند . در واقع خط سیری از « غیر سیاسی ها » به سیاسی ها !

امپراتوری منطق خود را فرموله کرد : دولت نیکاراگوا باید به انجام اقدامات خشونت آمیز و کشتار اجازه دهد ، و باید به مقررات قانونی پایان دهد .

آیا هیچ کشوری به این « درخواست » اجازه می دهد؟ آیا امپراتوری به این خواسته در سرزمین خود اجازه می دهد؟ آیا امپراتوری اجازه بستن خیابان ها و اقدام به خشونت در کشور خود را می دهد ؟ ام اس ام و « وجدان » کشور – به اصطلاح رهبران مدنی – مطرح کردن این پرسش را فراموش کردند چون مسأله امپریالیسم را به حساب نمی آورند ! پاسخ امپراتوری : « بسته به آن که چه کسی در داخل حوزه من حضور دارد اندکی می توانند و اندکی نمی توانند . » در رابطه با اعتراض های خشونت آمیز پرسش هائی وجود دارد :

- ۱- چه کسی / چگونه آن را سازمان داد؟
- ۲- چه کسی / چگونه آن را تأمین مالی کرد ؟
- ۳- اسلحه ها ، خمپاره های دست ساز ، مواد آتش زا و ابزار ارتباطی مورد استفاده از کجا آمدند ؟
- ۴- در کدام مجمعی « موضوع مشارکت » مورد بحث قرار گرفت و مجمع چگونه سازماندهی شد؟ عکس های انتقال پول به اعتراض کننده ها قبلاً آشکار شده بود .

این پرسش ها مطرح می شود چون اعتراض های مسالمت آمیز یکشنبه به خشونت تبدیل نشد . بدون سازمان ، برنامه ریزی و راهنمایی چنین اعتراض هائی نمی تواند ادامه یابد .

نیروهای ضد امپریالیست ادعا می کنند : برنامه امپریالیستی برای بی ثباتی نیکاراگوا وجود دارد چون کشور در داخل حوزه امپریالیستی نیست . برای امپراتوری پذیرش این شکست امکان پذیر نبود . نیروهای ارتجاع دست راستی به عنوان ابزار امپریالیستی عمل می کنند .

نیروهای ضد امپریالیست به منابع مورد استفاده در اعتراض ، شبکه ارتباطی مورد استفاده ، حمایت از جانب امپراتوری اشاره می کنند . متدهای مورد استفاده برای بسیج راست گرا ها – آنلاین ، رسانه های اجتماعی- همانند روش مورد استفاده در جنگ غیر متعارف است ، که از سوی امپراتوری طراحی شده بود . یک بخش از جنگ غیر متعارف ، بسیج بخش هائی از جامعه برای مقابله با دولت به بهانه مناسب و ظاهراً نرم ، بهره برداری از تصورات مردمی ، استفاده از خشونت برای وادار کردن دولت به استفاده از خشونت ، مختل کردن شبکه حمل و نقل به نحوی که افزایش قیمت را الزامی سازد و استفاده از قدرت دیپلماتیک خارجی است .

مردم در پاسخ به این طرح امپریالیستی سازماندهی می شوند. مردم از گروه های مختلف از تأسیسات و ادارات دولتی از جمله مراکز رفاه و محلات دفاع می کنند.

اورتگا با رد خشونت راست گرا ها خواهان آرامش و اتحاد شد. در راهپیمائی بزرگ اخیر در ماناگوا، رئیس جمهور نیکاراگوا گفت: ما سرشار عشقیم، ما در اینجائیم برای دفن نفرت. مردم یک هدف دارند: آرامش.

او خواهان «تلاش» برای پیشرفت و کرامت شد.

رئیس جمهور نیکاراگوا گفت: باید آزاد شد و دیگر به بردگی کشیده نشد، این چیزی است که مردم می خواهند. کسانی وجود دارند که آرزو می کنند زنجیرهای ملت باز گردند. کسانی وجود دارند که اعتقاد دارند چون اکثریت ملت، ملت کارگران، محترم و فروتن است، آن ها تحقیر را با جهل اشتباه می گیرند. ما مردمی فروتن اما شجاع هستیم.

با اشاره به افرادی که برای پیوستن به گردهمایی راهپیمائی می کردند اورتگا گفت: در این راهپیمائی ها، ما نشانی از ابراز تنفر نمی بینیم. ما ابراز کرامت، همبستگی و مصالحه کامل با مبارزه برای صلح را شاهدیم که به سود همه نیکاراگوانی ها خواهد بود.

اورتگا گفت: «نیکاراگوا با آرامش و امنیت در حال پیشرفت، در حال ترقی، در حال رشد اقتصادی بوده است.» نیکاراگوا در طی سال های اخیر به رشد پایدار و بهتری دست یافته بود. کشور تا زمانی که راست گراها فعالیت های خشن را آغاز کنند فضای صلح آمیزی داشت. اکنون اقتصاد دچار وقفه نزولی شده است.

اما، پس از همه این موارد، خشونت طلبان دست راستی، هرگز نخواهند پذیرفت که دموکراسی و امپریالیسم ناسازگار اند، که امپریالیسم هرگز خواهان دموکراسی نیست، که دموکراسی که امپریالیسم خواهان آن است دموکراسی نیست بلکه برده کراسی است.

فاروق چودری از داکا